



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض شد کسانی که منکر صحت معاطات هستند به دو دسته از اخبار تمسک کرده اند؛ یک دسته اخباری هستند که از بیع ملامسه و منابذة و حصاة نهی کرده اند که مخالفین صحت معاطات فکر کرده اند علت نهی از بیع ملامسه و منابذة و حصاة این است که در آنها صیغه ایجاب و قبولی خوانده نشده لذا فرموده اند در بیع إنشاء لفظی معتبر است .

دسته دوم اخباری هستند که در آنها گفته شده: « إِنَّمَا يَحِلُّ الْكَلَامُ وَيَحْرَمُ الْكَلَامُ » کلام است که محلل و محرم می باشد و در بیع تا کلام نباشد محلل و محرم صورت نمی گیرد پس معاطات که در آن کلام وجود ندارد صحیح نمی باشد .

بحث ما فعلاً در دسته اولی از اخبار بود عرض کردیم که در پنج تا از صحاح ششگانه اهل سنت غیر از صحیح بخاری این روایت ذکر شده که : نهی النبسی (ص) عن المنابذة و الملامسة و بیع الحصاة و علامه در تذکره برای این سه جمله معانی ذکر کرده بود که خدمتتان عرض کردیم ، این از طریق عامه بود که خدمتتان عرض شد .

خوب و اما از طریق ما ؛ خبر ۱۳ از باب ۱۲ از ابواب عقد البیع که در ص ۲۶۶ از جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است بر این مطلب دلالت دارد ، خبر این است : « و فی (معنی الأخبار) عن محمد بن هارون الزنجانی

، عن علی بن عبدالعزیز عن القاسم بن سلام بن سلام بإسناد متصل إلى النبی (ص) أنه نهی عن المنابذة و الملامسة و بیع الحصاة ، المنابذة يقال : أنها أن يقول لصاحبه : انبذ إلى الثوب أو غيره من المتاع أو أنبذه إليك ، و قد وجب البیع بكذا ، و يقال : إنما هو أن يقول الرجل إذا نبذت الحصاة فقد وجب البیع و هو معنی قوله : أنه نهی عن بیع الحصاة . و الملامسة أن يقول : إذا لمست ثوبی أو لمست ثوبك فقد وجب البیع بكذا ، و يقال : بل هو أن يلمس المتاع من وراء الثوب و لا ينظر إليه فيقع البیع علی ذلك . و هذه بیوع كان أهل الجاهلیة يتبايعونها ، فنهی رسول الله (ص) عنها لأنها غرر كلها . « در ص ۳۱۵ از جلد ۱۷ معجم رجال حدیث محمد بن هارون زنجانی صراحتاً توثیق نشده ولی از مشایخ صدوق می باشد ، علی بن عبدالعزیز و قاسم بن سلام نیز توثیق نشده اند منتهی چون این حدیث مورد قبول و عمل علمای خاصه و عامه می باشد نمی توان در سندش از جهت اعتبار خدشه کرد هر چند که سید فقیه یزدی در سند این خبر خدشه کرده که بعداً کلام ایشان را خدمتتان عرض خواهیم کرد . خوب همانطور که عرض کردیم این اخبار دلالت ندارند بر اینکه معاطات جایز نیست بلکه دلالت دارند بر اینکه این نوع خاص از بیع جایز نیست زیرا عقلاء در بیع إنشاء قولی یا إنشاء فعلی را اعتبار کرده اند که در اینجا هیچکدام از این دو وجود ندارد بعلاوه در این معامله جهل و غرر وجود دارد .

سید فقیه یزدی در ص ۳۳۸ از جلد اول حاشیه ای که بر مکاسب دارد در اینجا اشکالاتی را مطرح کرده : اولاً أنه ضعيف عامی و ثانیاً اینکه هیچکدام از این موارد در

قبول را خوانده بودی معامله صحیح نبود زیرا شما قبلاً مالک نبودید که بخواهی معامله ای انجام بدهی که بعداً این بحث : « لاتبع مالیس عندک » به طور مفصل مطرح خواهد شد بنابراین کلام به عنوان مقابله یحلل و کلام به عنوان بعت و قبلت یحرم ، البته معانی دیگری نیز برای این اخبار وجود دارد که بعداً به عرضتان خواهد رسید انشاء الله

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

نزد عقلاء انشاء به حساب نمی آیند و مسلم است که بیع یا باید بالفظ و یا عملاً انشاء شود به عبارت دیگر اصلاً این اخبار دلالت بر عدم صحت معاطات ندارند بلکه علت بطلان معامله در این اخبار از این جهت که در آنها انشاء لفظی وجود ندارد نیست بلکه علت بطلان در اینجا اولاً وجود غرر و ثانیاً اینکه عقلاء اینها را انشاء نمی دانند می باشد بنابراین دسته اول از اخبار دلیل برای عدم صحت معاطات نشدند بلکه تنها از بیوع جاهلیت نهی کرده اند .

خوب حالا می رویم سراغ اخبار دسته دوم : « انما یحلل الکلام و یحرم الکلام » در باب ۸ از ابواب احکام العقود که در ص ۳۷۶ از جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی چندین خبر در این رابطه ذکر شده که ما خبر ۴ از این باب ۸ را می خوانیم ، خبر این است : « وعنه ، عن ابن ابي عمیر ، عن یحیی بن الحجاج ، عن خالد بن الحجاج قال : قلت لأبی عبدالله (ع) الرجل یجیء فیقول : ایشتر هذا الثوب ، و أریحک کذا و کذا ، قال : ألیسین شاء ترک ، و إن شاء أخذ ؟ قلت : بلی ، قال : لا بأس به انما یحلل الکلام و یحرم الکلام » . شیخ طوسی از طبقه ۱۲ و حسین بن سعید از طبقه ۶ می باشد و شیخ ابن خبر را از کتاب حسین بن سعید گرفته و طریق شیخ به کتاب او صحیح می باشد ، ابن ابي عمیر از طبقه ۶ و یحیی بن الحجاج از طبقه ۵ و هر دو ثقه می باشند اما خالد بن الحجاج توثیق نشده است . اما یحلل الکلام یعنی اینکه مقابله و گفتگوی شما قبل از بیع اشکال ندارد و معامله را حلال می کند و یحرم الکلام یعنی اینکه ایجاب و قبول است که معامله را حرام می کند لذا اگر قبلاً ایجاب و